

نرمش قهرمانانه در دیپلماسی خارجی از منظر فقه سیاسی

نویسندگان: رضا سلیمانی^۱، عارف بشیری^۲

و سجاد علی محمدی^۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۱۱/۱۲

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره ۶۱، زمستان ۱۳۹۲

چکیده

از نظر مقام معظم رهبری، نرمش قهرمانانه با سه رکن عزت، حکمت و مصلحت، نوعی تاکتیک و سازوکار تهاجمی در حوزه دیپلماسی برای مقابله با دیپلماسی عمومی آمریکا محسوب می‌گردد که علاوه بر جلب حمایت اخلاقی و سیاسی افکار عمومی سایر کشورها و جذب مردم جوامع به اهداف و ارزشهای خود از طریق تأثیرگذاری بر اذهان و افکار آنان، زمینه را برای به‌وجود آوردن تصویر مثبت و مطلوب از تحقق اهداف انقلاب اسلامی، سیاستها و ارزشهای اجتماعی و فرهنگی و اثبات حقانیت پیام انقلاب اسلامی فراهم می‌نماید. با توجه به کارکرد حساس دیپلماسی در تأمین منافع و تمامیت ارضی کشور و از سوی دیگر، حساسیت شارع مقدس بر لزوم حفظ عزت مسلمانان و الزام به نفی سلطه حکومت اسلامی در روابط بین‌المللی، مسئله بازشناسی جایگاه نرمش قهرمانانه به عنوان یکی از تاکتیکهای تطور یافته دیپلماسی اسلامی و نیز شناخت ماهیت آن در حوزه سیاست خارجی و فقه سیاسی، به‌ویژه اکنون که دیپلماتهای ایرانی مذاکرات ژنو را پیش رو دارند، از اهم مسائل است که ضرورت پرداختن به این موضوع را روشن می‌سازد. پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی مسئله را مورد ارزیابی قرار داده، ضمن بررسی پیشینه نرمش قهرمانانه در اسلام و مقایسه آن با نرمش قهرمانانه جمهوری اسلامی ایران و تحلیل واقعیت‌های دیپلماسی هسته‌ای، به شناسایی ابعاد مفهومی و اصول نرمش قهرمانانه و برشماری سه مدل دیپلماتیک ایران با آمریکا در ضمن قواعد فقه سیاسی پرداخته و چنین به دست آورده که اگر در عرصه دیپلماسی قرار است نرمشی صورت پذیرد، باید بر طبق ضوابط و اصول قهرمانانه استوار باشد و نرمش قهرمانانه تحت عنوان یک تاکتیک برای ارتقای سطح روابط خارجی، ظرفیت لازم را برای کسب قدرت و امنیت و در نتیجه، ایجاد موازنه داراست.

واژگان کلیدی:

انقلاب اسلامی، نرمش قهرمانانه، فقه سیاسی، دیپلماسی، مقام معظم رهبری.

۱. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه پیام نور، R.soleimani1980@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه ایلام، arefbashiri@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)،

sajadalimohamadi@yahoo.com



اسلام به عنوان مکتبی جامع و مشتمل بر آموزه‌های فرازمانی و فرامکانی، به مبحث سیاست خارجی به عنوان موضوعی مهم و اساسی توجه دارد. اهداف سیاست خارجی اسلام، مانند تشکیل نظام توحیدی در جهان، اقامه قسط و عدالت، ابلاغ دین و رساندن آیات الهی، نفی سلطه و دفاع از مظلومان... از دیرباز مبتنی بر یک سلسله بنیانها و زیربناهای نظری برگرفته از آیات شریف قرآن و سیره اهل بیت (ع) شکل گرفت. به منظور دستیابی به این اهداف، دولت‌های اسلامی سازوکارهای متعدد سیاسی، دیپلماسی، اقتصادی، تبلیغاتی و دفاعی را با لحاظ کردن منابع قدرت در سیاست خارجی و شرایط محیطی در دستور کار خود قرار داده که نرمش قهرمانانه، یکی از این سازوکارها در عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی است.

انقلاب اسلامی ایران نیز نه تنها از این قاعده مستثنا نیست بلکه به مدد نگرشهای اسلامی موجود در آن، چنین دغدغه‌ای را فراروی خود می‌بیند که همواره در تکاپوی وصول به این آرمانها و اهداف باشد؛ از این رو گرایش به صدور انقلاب، در نظر رهبران انقلاب و کسانی که در راستای به ثمر نشستن آن کوشیدند، امری کاملاً موجه و طبیعی به نظر می‌رسد؛ چراکه صدور انقلاب اسلامی، آرمان احیای بشر و ترویج همان جامعه مدنی ایده‌آل پیامبر (ص) را سرلوحه خود قرار می‌دهد. با وجود آنکه در راستای تعالی نظام و قوام آن، راهکارهای متفاوتی را می‌توان به عرصه عمل آورد اما به عقیده سیاستمداران اسلامی، حساس‌ترین این راهکارها و راه‌ها از کانال سیاست خارجی و دیپلماسی می‌گذرند.^۱ این امر تا آنجا حائز اهمیت است که می‌توان گفت، روشهای نوین و خلاقیت‌های دیپلماسی باعث می‌گردد تا انقلاب به طور آشکار و پنهان بتواند در میان دولتها و فراتر از آن، ملتها جا باز نماید و جایگاه خود را تثبیت کند؛^۲ از این رو مفهوم نرمش قهرمانانه با این هدف و استراتژی، پا به عرصه ظهور گذاشت.

به‌طور کلی، دو دیدگاه و نظریه معروف درباره نظام بین‌الملل وجود دارد؛ نظریه اول که نظریه واقع‌گرایی می‌باشد، معتقد است جهان از دیدگاه عقلانی ناقص و حاصل نیروهای ذاتی بشر است. برای اصلاح جهان باید همراه این نیروها و نه علیه آنها کار کرد. از آنجا که این جهان ذاتاً دنیای تضاد و تعارض منافع است، هرگز نمی‌توان اصول اخلاقی را به‌طور کامل محقق ساخت اما باید به بهترین شکل از

۱ در این باره نک: محمد رادمرد، دیپلماسی علمی و صدور انقلاب اسلامی، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس،

۱۳۹۰، ص ۱۳

۲ همان، ص ۱۴



طریق توازن موقت منافع و حل و فصل تعارضات به این اصول نزدیک شد. این نظریه در نظام بین‌الملل به توازن قوا اعتقاد دارد.^۱

نظریه دوم که بر مبنایی آرمان‌گرایانه استوار است، چنان فرض می‌کند که انسان سرشتی نیک دارد و از انعطاف‌پذیری مطلق برخوردار است. آرمان‌گرایان، سبب توفیق نظام اجتماعی در دستیابی به معیارهای عقلانی را فقدان شناخت، وجود نهادهای اجتماعی یا فساد برخی از افراد یا گروه‌های منفرد می‌دانند و به آموزش و پرورش، اصلاحات و استفاده مقطعی از زور برای اصلاح کاستی‌ها اعتقاد دارند.^۲

از نظر اسلام، نرمش مادامی باید سرلوحه سیاست و دیپلماسی خارجی قرار گیرد که این نرمش با عزت اسلامی و مصالح نظام در تضاد نباشد و در واقع، واجد سه رکن عزت، حکمت و مصلحت باشد. این یکی از شرطهای بسیار مهم و وجه تمایز دیپلماسی اسلامی در تلافی با سایر دیدگاه‌هاست که با عنوان «نرمش قهرمانانه» شناخته می‌شود. در ارتباط با پیشینه موضوع تاکتیک‌های اسلامی دیپلماسی در حوزه بررسی‌های فقه سیاسی شیعه، در برخی آثار نویسندگان اشاراتی به این موضوع شده، از جمله کتاب «سیاست خارجی پیامبر اسلام» که نویسنده، کتاب را به چهار فصل جغرافیای سیاسی جهان در عصر پیامبر(ص)، اهداف و زیربناهای نظری سیاست خارجی پیامبر(ص)، ساختار تصمیم‌گیری پیامبر(ص) و استراتژی‌های پیامبر(ص) تقسیم نموده که در فصل اخیر، سه استراتژی رسول اکرم (ص)، یعنی استراتژی دعوت، استراتژی جنگ و استراتژی صلح را بررسی کرده است. مقاله «اصول اسلامی حاکم بر دیپلماسی با کفار»؛ نویسنده در این تحقیق، به بیان قواعدی که بر کفار، به طور عام یا خاص حاکم است، با استناد به آیات قرآن و احادیث و مسائل فقهی می‌پردازد و نمونه‌های آن را در امروز مسلمین بررسی کرده و به بیان راه‌حل می‌پردازد.

بر این اساس، پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی مسئله را مورد ارزیابی قرار داده، در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که تاکتیک نرمش قهرمانانه در جهت حل و فصل مسائل هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، بر مبنای چه معیارهایی در فقه سیاسی شیعه قابل ارزیابی است.

چارچوب نظری

آنچه در اسلام به عنوان کامل‌ترین شریعت در روابط خارجی و دیپلماسی قابل توجه است، اصل و اساس این مناسبات را بر صلح گذاشتن است و این موضوع

۱. حسن ابولفضلی، امکانات و محدودیتها در اجرای قاعده نفی سلطه بیگانگان، پگاه حوزه، بهمن ماه ۱۳۷۹، شماره ۹

۲. هانس جی مورگنتا، سیاست میان‌ملتها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴



بر حفظ اصول اسلام و تأکید بر اصل عزت مبتنی است. ایده ارائه شده آیت‌الله خامنه‌ای، بیانگر توجه به همه جوانب و اصول اسلام و نظام می‌باشد. در اندیشه ایشان با توجه به سه رکن عزت، حکمت و مصلحت، محوریت مسئله دیپلماسی هسته‌ای ایران در یک وهله به همین مذاکرات برای تأمین منافع جامعه اسلامی برمی‌گردد و در وهله دیگر موضوع، در رابطه با پیشینه اقدامات بازدارنده و تحریمی آمریکا علیه ایران است که ایشان در مقام دفاع از حقوق ملت ایران، آن را از زوایای مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

مهم‌ترین سیاست آمریکا در مورد برنامه هسته‌ای ایران، از زمان از سرگیری این برنامه بعد از انقلاب، بر چینش هسته‌ای بوده است. واشنگتن با حمایت متحدان خود و با استفاده از ابزارهایی همچون دیپلماسی، تحریم، فریب افکار عمومی، سد نفوذ، تهدید به حمله نظامی و ایجاد تخریب فیزیکی با هدف به تأخیر انداختن فرایند تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای، سعی در به اجرا درآوردن این سیاست در مورد برنامه هسته‌ای ایران داشته و دارد.

این در حالی است که با وجود چنین فضا و شرایطی که غرب برای ایران به وجود آورده، اگر واکنش ایران همسو و متناسب با تبلیغات و اهداف آنها باشد، همان هدفی خواهد بود که نظام سلطه از طریق تبلیغات عوام‌فربانه و با دیپلماسی فشار دنبال آن هستند و آن قانونی جلوه دادن و مشروعیت بخشیدن بر تضعیف پایه‌های نظام اسلامی از طریق اعمال تحریم‌های همه‌جانبه علیه اقتصاد ایران است.

اما رهبری انقلاب در برابر این سیاست، تاکتیک «نرمش قهرمانانه» را برگزید که اعلامی بر اثبات بهانه‌جویی آنها باشد و از طرفی، با اظهار خوشبین نبودن به مذاکرات ژنو، سیاست و راهکاری برای حفظ ارکان عزت، حکمت و مصلحت در دیپلماسی اسلامی فراروی دیپلماتهای ایرانی قرار داد تا با قاطعیت از منافع ملی دفاع کنند و بدیهی است که دفاع از منافع ملی، هرگز منافاتی با قهرمانانه بودن نرمش ندارد.

اما باید به این نکته توجه داشت که در تعیین روابط ایران و غرب، به‌ویژه آمریکا، تنها مسئله هسته‌ای خودنمایی نمی‌کند بلکه مسئله ریشه‌دارتر و اساسی‌تر است و این به مبانی اندیشه‌ای نوع حکومت و نوع و طریق کسب مشروعیت آنها و همچنین چگونگی روابط و تجربه تاریخی در گذشته کشور ما نیز برمی‌گردد. در نتیجه، برای یافتن ماهیت تاکتیک نرمش قهرمانانه و نوع کنش دیپلماتیک آن و یافتن چرایی گزینش این تاکتیک در این شرایط بین‌المللی و همچنین برای بهتر مشخص شدن



نوع نگرش به مسئله انرژی هسته‌ای و مذاکرات آن، با نگاهی بر اصول و قواعد فقه سیاسی شیعه، لازم است در این زمینه پژوهشی درخور انجام پذیرد.

۱. نرمش قهرمانانه امام حسن (ع)

از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، صلح امام حسن (ع) یکی از نمونه‌های بارز نرمش قهرمانانه محسوب می‌شود؛ چراکه قهرمانانه بودن نرمش امام حسن (ع) در گرو مصلحت‌نگری و مصلحت‌اندیشی بود که امام خمینی (ره) در مقام یک رهبر سیاسی و بر اساس شرایط وقت، اساس و مبنای کار خود قرار داد. صلح امام حسن (ع) از آن رو نوعی نرمش قهرمانانه محسوب می‌گردد که به اعتقاد تاریخ‌نویسان اسلامی، در صورت عدم مصالحه امام حسن (ع) با معاویه، موجب تضعیف شدید جامعه اسلامی می‌گشت؛ زیرا جنگ، زمینه حمله نظامی رومیان به جهان اسلام را فراهم می‌کرد که برنده در آن شرایط، رومیان می‌شدند که در این صورت، تمام جامعه اسلامی به انحطاط کشیده می‌شد (پیشوایی، ۱۳۸۳: ۹۷). از سویی، اگر امام مصالحه نمی‌کرد و نتیجه جنگ نیز پیروزی شامیان بود، معاویه با بهانه جنگ، شیعیان را از بین می‌برد (رسولی محلاتی، ۱۳۸۳: ۱۴۵). افزون بر این، دستاورد مهم دیگری که این نرمش داشت که شاید مهم‌ترین دستاوردی باشد که قابل تطبیق با نرمش قهرمانانه نظام جمهوری اسلامی ایران است، برملا شدن چهره معاویه برای مردم بود؛ چراکه معاویه با حرکت‌های عوام‌فریبانه، چهره‌ای ظاهرالصلاح برای خود در بین مردم ساخته بود و نیاز بود که چهره واقعی وی به مردم شناسانده شود تا راه حق مشخص گردد (احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۷۴: ۱۹۰).

در مقام تطبیق با واقعیت امروز و از زمان آغاز بحران هسته‌ای ایران در فوریه ۲۰۰۲، کشورهای غربی و آمریکا بیشترین انتقادات را به این برنامه داشته و همواره خواهان متوقف شدن آن به هر شکل ممکن بوده‌اند. در واقع، مقامات آمریکایی همسو با رسانه‌های غربی، برنامه هسته‌ای ایران را بزرگ‌ترین خطر پیش روی آمریکا و متحدان این کشور، به‌ویژه اسرائیل دانسته‌اند. دامنه و چگونگی پوشش خبری رسانه‌هایی همچون BBC، FoxNews و CNN و دیگر رسانه‌ها که از پوششی جهانی برخوردارند، نشان می‌دهد روندی از پیش تعیین شده از سوی غربی‌ها نسبت به برنامه هسته‌ای ایران در نظر گرفته شده که بعد از گذشت بیش از پنج سال، افکار عمومی جهان را به سمت خطرناک بودن اقدامات ایران سوق داده است. در این رابطه، عباراتی مانند «تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای»، «بحران هسته‌ای ایران»، «تنگنای هسته‌ای ایران» به کرات به چشم می‌خورد که



چه در بخشهای ویژه خبری و چه در تحلیلهای هر روز به کار می‌رود (Gertz, 2005, p1). تاکتیک آمریکا برای مشروعیت‌بخشی بر اعمال فشار اقتصادی و تحریم بیشتر بر ایران، بر دیپلماسی عمومی و فریب اذهان عمومی و ظاهرسازی و جعل یک چهره خیرخواهانه برای خود در جهان و در درون ایران و پروژه ایران‌هراسی با این توهم که جمهوری اسلامی ایران خواهان پایان یافتن مناقشه هسته‌ای نیست و از فعالیت‌های هسته‌ای مقصود دیگری دارد، قرار داشته و دارد. این در شرایطی بود که سر باز زدن از مذاکره از سوی مقامات ایران می‌توانست گواهی بر تطبیق تبلیغات آنها با جوسازی‌های به عمل آمده در پوشش‌های خبری باشد و به عنوان تنها حقیقت موجود تلقی گردد (احدی، ۱۳۸۸: ۲۵۶)؛ از این‌رو تاکتیک نرمش در شرایطی صورت گرفت که دشمن عملاً می‌خواست ادعاهای خود را مستند به پاسخ ایران مبنی بر رد گفتگو و مذاکره نماید و به نوعی سر باز زدن از مذاکره به معنای وجود یک سیاست مبهم در سیاست خارجی ایران و تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای و به اصطلاح پذیرش ظلم و فشار بیشتر علیه ایران بود که آیت‌الله خامنه‌ای تاکتیک نرمش را سازوکاری برای خنثی‌سازی اهداف آنان در راه دیپلماتهای ایرانی قرار داد، اما به آنها هشدار داد که اگر قرار است نرمشی صورت بگیرد، باید مبتنی بر اصول و پایه قهرمانانه و عزتمندانه باشد و سپس اصول نرمش و خطوط قرمز سیاست خارجی فقه سیاسی اسلام را طی سخنرانی‌های متعدّد واکاوی نمود.

نرمش قهرمانانه در این رهیافت، نوعی تاکتیک و سازوکار تهاجمی^۱ در حوزه دیپلماسی عمومی برای مقابله با دیپلماسی عمومی آمریکا محسوب می‌گردد که علاوه بر جلب حمایت اخلاقی و سیاسی افکار عمومی سایر کشورها و جذب مردم جوامع به اهداف و ارزشهای خود از طریق تأثیرگذاری بر اذهان و افکار آنان، زمینه را برای به‌وجود آوردن تصویر واقعی و مثبت از اهداف انقلاب اسلامی، سیاستها، و ارزشهای اجتماعی و فرهنگی و اثبات حقانیت پیام انقلاب اسلامی فراهم نمود که این امر می‌تواند بستر مناسبی برای گسترش مناسبات اقتصادی و فرهنگی

۱. آیت‌الله خامنه‌ای در مورد تاکتیک و اهداف غربی‌ها فرمود: «برداشت ما این است که پیشنهاد مذاکره از سوی آمریکایی‌ها، یک تاکتیک آمریکایی و برای فریب دادن افکار عمومی است؛ افکار عمومی دنیا و افکار عمومی مردمان...» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، بیانات در حرم رضوی)

۲. منظور از سازوکار در سیاست خارجی، همان روشها و شیوه‌های دستیابی به اهداف سیاست خارجی با توجه به عوامل و منابع قدرت ملی و شرایط محیط بین‌المللی است. دولت‌ها براساس مقدرات ملی و همچنین تحت تأثیر ساختار و فرایند نظام بین‌المللی، سازوکارهای مختلف سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی و دفاعی را برای دستیابی به اهداف برمی‌گزینند. هر واحد سیاسی به اقتضای شرایط و امکانات خود از یک یا چند مورد از این شیوه‌ها استفاده می‌کند. سازوکارهای سیاسی و دیپلماتیک عمدتاً از تلاش پرسنل ماهر تشکیل شده است، این افراد می‌توانند در کشور هدف به گونه‌ای عمل کنند که فرایند سیاسی آن را در جهت منافع کشور خویش هدایت کنند (محمدی الموتی، ۱۳۸۸: ۱۱۹).



جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها را فراهم و جنگ اقتصادی، روانی و پروژه ایران‌هراسی که علیه جمهوری اسلامی ایران به راه افتاده است را کم‌اثر نماید. بنابراین با توجه به تاکتیک نرمش قهرمانانه، دومین گام این تاکتیک جدید برملا شدن دروغهای آمریکا و اثبات حقانیت جمهوری اسلامی ایران است.

علاوه بر پیامدها و آثار گفته شده، سازوکار نرمش قهرمانانه فرصتی را به وجود می‌آورد که در آن، اگر غربی‌ها به تعهدات خود عمل نمایند، در گشایش درهای باز اقتصادی و رونق اقتصادی و نزدیک‌تر شدن ایران به اروپا ثمربخش واقع می‌شود که این به نوبه خود، با توجه به فضای رقابتی و شکاف پنهانی که بین اروپا و آمریکا وجود دارد، به تقویت آن کمک نموده و متعاقباً به توسعه مناسبات می‌انجامد. در این راستا، ورود ایران به عرصه تجارت با اروپا، به عنوان یک کشور نفت‌خیز و منابع غنی و داشتن موقعیت ژئوپلیتیک در منطقه، نقش مؤثری در رفع بحرانهای اقتصادی آنها نیز خواهد داشت که هم به سود ایران و هم اروپا خواهد بود. اما اگر غربی‌ها به تعهدات خود عمل ننمایند، یقیناً می‌تواند ماهیت آنها در افکار عمومی جهان را آشکار نماید که در این صورت باز هم حقانیت صلح‌طلبی ایران بر افکار عمومی جهان مسلم خواهد گشت.

از مجموع مطالب پیشین می‌توان چنین نتیجه گرفت که در تاکتیک نرمش عنصر ضرورت و اضطرار مشاهده نمی‌گردد؛ برخلاف صلح امام حسن (ع) که به دلیل عدم انسجام داخلی، نوعی ساختار تدافعی و عنصر ضرورت وجود داشت که در اثر شرایط محیطی و درونی به وجود آمده بود و از طرف دیگر، از آنجا که مبنای تمسک به قاعده مصلحت، صرفاً به ضرورت و اضطرار محدود نمی‌شود بلکه مبانی مختلفی را شامل می‌گردد، به نظر می‌رسد مجرای این دو نرمش قهرمانانه و به عبارت دیگر اقتضائاتی که منجر به صدور حکم نرمش گشته است، مانع از تطبیق‌سازی نرمش قهرمانانه امام حسن (ع) با نرمش قهرمانانه جمهوری اسلامی ایران از این جهت می‌گردد و اما از آنجا که در هر دو نرمش، رویکرد مصلحت‌اندیشی اتخاذ شده است و از طرف دیگر، احکام تابع مصالح و مفاسد واقعی خود می‌باشند (مظفر، ۱۴۰۳: ۵۸)، می‌توان این دو را به تبع همسان‌سازی اهداف آنها (برملا کردن چهره واقعی اهداف دشمن و...) جزء یک مقوله دانست؛ زیرا قدر متیقنی که وجود دارد، این است که مقتضی - که همان دو رکن نرمش و قهرمانانه بودن (مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت) است - در هر دو وجود دارد و مانعی برای عدم اطلاق این اصطلاح بر این دو رویکرد وجود ندارد و مناقشه فقط در مبانی صدور حکم شرعی و حکومتی است که در اولی بر



پایه عدم انسجام درونی نوعی ضرورت و اضطرار موجود است (جعفریان، ۱۳۶۹، ۱، ۱۵۵) که در دومی نیست.

۲. الگوی نرمش قهرمانانه و جایگاه آن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

برای روشن شدن مطلب و یافتن ماهیت نرمش قهرمانانه از سوی آیت‌الله خامنه‌ای، مروری بر سابقه این مفهوم در دوره رهبری ایشان می‌تواند به فهم و درک بهتر آن کمک کند. آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۷۵ در جمع سفرا و نمایندگان سیاسی در خارج از کشور اشعار داشت: «نمایندگان جمهوری اسلامی در جهان باید تیزتر از شمشیر، نرم‌تر از حریر و سخت‌تر از سنگ و پولاد باشند. عرصه سیاست خارجی، میدان نرمش‌های قهرمانانه است اما نرمشی که در برابر دشمن تیز باشد؛ بنابراین دیپلماتهای ما باید در مواضع اصولی خود مستحکم بایستند و استقامت و پایداری حضرت امام خمینی (ره) را الگوی خود قرار دهند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵).

این هشدار در حالی بود که در آن دوران، زمزمه‌های سازش به بهانه تغییر شرایط به گوش می‌رسید و برخی شخصیت‌های سیاسی، شرایط را برای چرخش در دیپلماسی و گشودن باب مذاکره و ارتباط با آمریکا فراهم می‌دانستند. با روی کار آمدن اصلاح‌طلبان در سال ۷۶ و نوعی رویکرد و گرایش سازشی که در سایه مباحثی همچون پروسه جهانی شدن، ضرورت واقع‌گرایی و دوری از توهم توطئه شکل گرفته بود، رهبر انقلاب اسلامی در سال ۷۹ فرمود: «هرگونه نزدیک شدن به دشمن، هرگونه نرمش نشان دادن در مقابل دشمن، تیز کردن آتش دشمن و ستمگری دشمن است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹).

به نظر می‌رسد یکی از دلایل چنین هشداری، وجود روحیه وادادگی در بین اصلاح‌طلبان و شاید نگرانی از خط نفوذ واسطه‌ها در آن دوران بود که به عنوان شوالیه‌های سیاسی - فرهنگی غرب در بدنه دولت وجود داشتند. اما تغییر شرایط محیطی و تفاوت روحیه و ویژگی‌های مسئولان و به‌وجود آمدن مصالح متعددی موجب شد با تغییراتی دوباره مطرح شود، به گونه‌ای که ایشان در جمع خبرنگاران رهبری فرمود: «در این سال‌ها، جبهه‌بندی‌های منطقه‌ای و جهانی هم آشکار شده است. البته نرمش و انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه عرصه‌های سیاسی، یک کار مطلوب و مورد قبولی است و اما این مانور هنرمندانه نبایستی به معنای عبور از خط قرمز یا برگشت از راهبردهای اساسی یا عدم توجه به آرمانها باشد. اینها را باید مراعات کرد. البته هر دولت، هر شخص، هر شخصیتی، روش‌هایی دارند، ابتکاراتی دارند، این ابتکارات را انجام خواهند داد و پیش خواهند رفت» (در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲).



بر این اساس، با توجه به تغییر شرایط و اقتضات زمانی و متعاقباً حصول برخی مصالح و منافع نظام و تفاوت کارگزاران است که امروز نرمش قهرمانانه به عنوان یک تاکتیک و روش در دیپلماسی برای پیشبرد همان اهداف اصلی و با نگاه به واقعیتها و در عین حال ملاحظه آرمانها در دستور کار قرار گرفته است.

آنچه از مجموع سخنرانی‌های مقام معظم رهبری در مورد ماهیت، مبانی، خطوط قرمز و اصول نرمش قهرمانانه برمی‌آید، می‌توان نرمش قهرمانانه را نوعی مانور و انعطاف در سیاست خارجی دانست که در شرایط قدرت معنا پیدا کرده، در سطح تاکتیک برای تحقق راهبردهای معین شده به اجرا در می‌آید و دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. با سازش و کوتاه آمدن متفاوت است.
۲. در راستای تحقق همان اهداف اصلی و آرمانهای انقلاب اسلامی است (عدالت، استقلال، کرامت، عزت، آزادی و...).
۳. متکی به همان اصول اساسی دیپلماسی دینی عزت، حکمت و مصلحت است.
۴. تاکتیک و روش است، نه هدف و راهبرد.
۵. به شناخت و فهم صحیح از دشمن، اهداف، راهبردها و تاکتیکهای او نیاز دارد.
۶. نباید خط قرمزها و راهبردهای اساسی نظام را به خطر اندازد.
۷. پشتوانه آن استحکام ساخت درونی قدرت در نظام، انسجام، اتحاد و همکاری همه نیروهاست.
۸. در شرایط احترام و حقوق متقابل و اقتدار نظام برای پیشبرد و اهداف معنی پیدا می‌کند.
۹. ابتکار عمل هوشمندانه لازمه آن است.
۱۰. نباید موجب غفلت از ماهیت دشمن و اهداف او باشد.

بنابراین نرمش قهرمانانه که به دلیل فنی در عرصه مبارزه دیپلماتیک صورت می‌گیرد، نباید به معنای راهبرد تلقی شده و با تسلیم و سازش اشتباه گرفته شود بلکه نوعی انعطاف فنی و مانور دقیق برای دستیابی به اهداف است که با ابتکار عمل و قدرت به اجرا گذاشته می‌شود.

در میان تمامی موانع پیش روی ایران در عرصه بین‌المللی، مسئله هسته‌ای شرایط را برای کشور دشوارتر از پیش نموده است؛ زیرا غرب به رهبری آمریکا توانسته است موضوع هسته‌ای را به شورای امنیت برده و در ذیل بند هفتم منشور قرار دهد و به بهانه تهدید صلح و امنیت بین‌الملل، چندین قطعنامه علیه ایران



صادر نماید؛ از این رو توانستند تا به یک اجماع نسبی بین‌المللی در اردوگاه غرب علیه ایران دست یابد و جدای از آن، تحریمهای یکجانبه و گسترده‌ای را به اجرا گذاشته است.

واقعیت دیگر، محدودیت تعامل گسترده در سطح بین‌المللی از سوی دولت پیشین و طرح شعارهای تعامل‌گرایانه، به‌ویژه در عرصه خارجی که معتقد است می‌توان از طریق دیپلماسی و مواجهه معقولانه و مسئولانه به رتق و فتق مسائل به‌خصوص موضوع هسته‌ای همت گمارد. از این منظر، طرح نرمش قهرمانانه از سوی رهبر انقلاب اسلامی، در حقیقت به مثابه ایجاد بستری برای اجرای ایده فوق است تا هم نقشه راهی باشد که در شعاع آن حرکت لازم صورت می‌گیرد و هم موانع ذهنی و عینی حاکم بر شرایط فعلی - چه در داخل و چه در خارج - مرتفع گردد. در این چارچوب، نرمش قهرمانانه یک فرصت جدید برای غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا است تا با تصحیح محاسبات خود، درک مناسب‌تری از اعتمادآفرینی داشته باشد. بدین معنا تاکتیک یا استراتژی نرمش قهرمانانه، نوعی اتمام حجت نیز در برابر طرف غربی محسوب می‌گردد.

۳. مبانی فقه سیاسی نرمش قهرمانانه در دیپلماسی هسته‌ای

همانطور که اشاره گردید، رهبر انقلاب اساس نرمش قهرمانانه را بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت استوار دانست؛ چه اینکه این سه اصل، اصول محوری و ثابتی می‌باشند که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آنها شکل گرفته است. اصل عزت، ناظر بر رکن قهرمانانه بودن و اصل مصلحت، متناظر با نرمش در اقتضائات زمانی و مکانی است که در ادامه به تفکیک هر اصل، قواعد مشهور مستنبط از هر یک و جایگاه و نقش آنها در نرمش قهرمانانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۱. حکمت و به‌کارگیری ادبیات محکم دیپلماسی

اصل حکمت اگرچه متناظر با قواعد فقه سیاسی شیعه نمی‌باشد اما از لوازم آن محسوب می‌شود و به دلالت التزامی به قهرمانانه بودن نرمش مرتبط می‌گردد؛ زیرا دفاع از عزت ملت، مستلزم به‌کارگیری ادبیاتی محکم و حکیمانه در ادبیات دیپلماسی محسوب می‌شود. باید دانست متون تفسیر قرآن، کلام، فقه، عرفان و حکمت، پشتوانه‌های بسیار ارزشمندی هستند که برای دیپلماسی اسلامی در حکم مبانی و اصول بنیادین به کار می‌روند. نمی‌توان از متون کلاسیک انتظار



داشت همه وقایع و ریز و درشت تکنیک‌های دیپلماسی را در همه دوران برای مسلمانان درج کرده باشند. متون کلیات و اصول را تعریف کرده‌اند و زمانی که عصر تغییر می‌کند، متناسب با تغییر فناوری، شیوه‌های حکومت‌مندی متون نیز تغییر پیدا می‌کند و با استفاده از امکانات و فرصت‌های متنی، شیوه‌های جدید و رو به گسترش اعمال و محدود کردن قدرت را ابداع می‌کند. در زمان پیامبر(ص) اگر چه مفاهیمی همچون دولت ملی، دموکراسی، فناوری‌های رسانه‌ای، اخلاق شهروندی، فردگرایی، حقوق قراردادی و... نبود اما اصول و کلیات اخلاقی در قرآن و رفتار و اندیشه‌های پیامبر و ائمه(ع) وجود دارد که برای همه زمانها و مکانها، در صورتی که مسلمانان خرد خود را به کار گیرند و کلیات را با استفاده از تکنیک‌های جدید بیان کنند، بسیار کارآمد خواهد بود.

اهتمام قرآن به بحث ادبیات محکم، به عنوان بخش مهمی از اصل حکمت در دیپلماسی، نشانگر نقش راهبردی گفت‌وگو و تأثیر آن در تکامل اجتماعی انسان می‌باشد. آیاتی که گفت‌وگو را با تأکید بر نقش ارتباطی و راهبردی آن مطرح می‌کنند، نمونه‌های بارز این امر مهم می‌باشند؛ چنانکه اشاره شده:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنها مجادله کن...» (النحل: ۱۲۵).

«وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ و بگو به بندگانم که با بهترین روش با یکدیگر سخن بگویند...» (اسراء: ۵۳)

«لَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ با اهل کتاب مجادله نکنید، مگر با نیکوکارترین روش...» (عنکبوت: ۴۶)

«الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ؛ کسانی که به سخن گوش فرا دهند و از بهترین آن پیروی می‌کنند...» (زمر: ۱۸)

دقت در این آیات، چند اصل اساسی را در عرصه دیپلماسی بیان می‌کند:

۱. گفت‌وگو یک فرایند و جریان اجتماعی تعاملی است.
۲. گفت‌وگو بر اساس حکمت منطق و استدلال شکل می‌گیرد.
۳. گفت‌وگو بر اساس «موعظه حسنه»، «عدم مجادله» یا «استماع قول» مبتنی بر درک متقابل و ترسیم افق مشترک برای دستیابی به هدایت و تکامل بشر می‌باشد.
۴. گفت‌وگو بر مبنای شیوه احسن یا بهترین مسیری شکل می‌گیرد که منجر به اذعان و تفاهم با مخاطبان می‌شود (افتخاری، ۱۳۹۰: ۲).



از این رو گفت‌وگو از دیدگاه اسلام در جهت تفهیم و تفاهم، اقناع و وسیله اثرگذاری و رفتارهای سازنده متقابل بوده و هدف آن، دستیابی به حقیقت و حکمت می‌باشد. در حقیقت بهره‌گیری از منطق گفت‌وگو در اسلام، فراخوانی عمومی است که همگان را به رفتارهای انسانی، جمعی و منطبق بر اندیشه دعوت می‌نماید. به همین دلیل، رهبر انقلاب اسلامی در این باره می‌گوید:

«عرصه دیپلماسی، عرصه لبخند و درخواست مذاکره و مذاکره است اما همه این رفتارها باید در چارچوب چالش اصلی فهم و درک شود... تعامل با دنیا برنامه می‌خواهد. تعامل شامل قهرکردن، حرف زدن، حرف زدن، خنده و پرخاش است. پس نوع تعامل به تناسب منافع ملی ما و به تناسب مقطع زمانی تعیین می‌شود. هیچ کدام از این رفتارها و مواضع اصالت ندارد؛ نه نرمش اصالت دارد و نه اوقات تلخی؛ آنچه که اصالت دارد، تأمین منافع ملی ماست» (در دیدار با فرماندهان سپاه، ۱۳۹۲).

۳-۲. عزت

اصل عزت و مصلحت، متناظر با سه قاعده مهم فقه سیاسی شیعه می‌باشد که در ادامه، ضمن بیان هر اصل، به قواعد مرتبط با آن نیز اشاره می‌گردد. این اصل بیانگر برتری تعالیم اسلامی و جوامع اسلامی است. عزت اسلامی یکی از اساسی‌ترین اصولی است که کشورهای اسلامی هنگام بستن معاهدات بین‌المللی باید به آن توجه کنند که در روابط دیپلماسی، متناظر با رکن قهرمانانه بودن نرمش می‌باشد. برخی آیات قرآن از متکی بودن مسلمانان به غیرمسلمانان برای رسیدن به امیال دنیوی نهی نموده و فرموده است:

«الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا؛ کسانی که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند؛ آیا عزت و آبرو نزد آنان می‌جویند؟ با اینکه همه عزت‌ها از آن خداست؟» (نساء: ۱۳۸ و ۱۳۹)

اصل عزت دینی در سیره و رفتار معصومین (ع) نیز بوده و مبنای سیاست‌گذاری آنها متکی بر این اصل می‌باشد. برای مثال، امام علی (ع) ضمن برخورد مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان و دشمنان، حسن معاشرت و رفتار مسالمت‌جویانه را با تأمین عزت دینی و سیادت اسلامی پیوند می‌دهد. ایشان در این زمینه می‌فرماید:

«باید رفتارشان با احتیاج و بی‌نیازی توأم باشد و حسن معاشرت و نرمی در گفتارشان، با عزت و نزهت دینی بپیوندند» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ۳۳۷).

در سال ۲۰۰۸ جورج بوش هنگام سفر به آلمان و فرانسه و در کنفرانس مطبوعاتی با آنگلا مرکل و نیکلا سارکوزی، با اشاره به سناریوی استفاده از



نیروی نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران گفت: «اما اولویت برای من یک راه‌حل دیپلماتیک است و بهترین گزینه برای ایران، قبول پیشنهاد همکاری است» که باید به زودی در تهران خاویر سولانا از سوی شش کشور درگیر در پرونده هسته‌ای ایران، آن را تسلیم مقامات آن کشور کند. بوش در سفر به پاریس (۱۳ ژوئن ۲۰۰۸)، با سارکوزی در مورد موضوع هسته‌ای ایران گفت‌وگو کرد و این مقطع، اوج هماهنگی دولت‌های سارکوزی و جورج بوش بود. لوموند نوشت جورج بوش در رئیس‌جمهور فرانسه، رهبری جریانی را می‌بیند که می‌تواند در سطح اروپا تحریم‌های اقتصادی-مالی بر جمهوری اسلامی تحمیل کند (Stratégie de l'UE contre la prolifération des armes de destruction massive, 2003).

این نوع دیپلماسی، به «دیپلماسی اجبار» تعبیر می‌شود. دیپلماسی اجبار استراتژی سیاسی-دیپلماتیک است که در آن، کشور «الف» از حربه‌هایی همچون تشویق، ترغیب، تهدید، فشار و حتی حمله محدود به عنوان جایگزینی برای جنگ و نیل به اهداف و خواسته‌های خود در رابطه با کشور «ب» استفاده می‌کند. مقصود از تحریم، سیاستی تنبیهی است در برابر دولت‌ها، این سیاست، از یک سو در حوزه دیپلماسی می‌گنجد و از سوی دیگر، می‌توان آن را اعلان نوعی جنگ غیرمستقیم علیه طرف مورد تحریم قرار گرفته، دانست (Levy, 2008, 539).

در این فضای ملتهد، دولت وقت ایران اخطار داد که ایران شرف خود را با امتیازات پیشنهادی، مبادله نخواهد کرد (خالوزاده، ۱۳۹۱: ۶۱). اثری که این موضوع در سطح بین‌المللی می‌تواند بگذارد این است که در جریان دیپلماسی، طرف مقابل احساس خود را که جامعه اسلامی به خاطر نیاز (حاصل از فشار) وارد مذاکره شده است را دچار تردید کند.

در میان سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز سخنانی با این مضمون دیده می‌شود. آنجا که اظهار به عدم خوشبینی به مذاکرات دیپلماسی هسته‌ای دولت یازدهم می‌کند، با وجود آنکه اقتصاد نفتی ایران محتاج به رفع این تحریم‌هاست، نمونه واضحی از همین عزت‌طلبی می‌باشد. بر این اساس، سخن ایشان این پیام را به غرب می‌دهد که این گونه نیست که اگر شما طور دیگری عمل کنید، ایران باز دنبال مذاکره باشد. ملت ایران، ملتی عزتمند است و باید با ایران با احترام برخورد کنند. این شکل از دیپلماسی مطابقت با همان مفهومی دارد که از عزت اسلامی بیان گردید.

۱. فرانسه از اول ژوئیه ۲۰۰۸ ریاست دوره‌ای اتحادیه را عهده‌دار شد و «سارکوزی» در ابتدا مایل بود مانند یک رهبر قدرتمند اروپایی ژست بگیرد. روابط با ایران و خصوصاً پرونده هسته‌ای فرصت لازم را برای «سارکوزی» فراهم کرد.



۳-۲-۱. قاعده نفی سلطه (نفی سبیل)

قاعده نفی سلطه اصلی مترقی و کارآمدی است که به اعتقاد فقها استقلال و عزت مسلمانان را به شایستگی تضمین می‌کند. واژه «سلطه» در لغت به معنی «قدرت از روی قهر» است (قریشی، ۱۳۶۴: ۲۹۰)، در فرهنگ سیاسی به معنی «استعمار» (امپریالیسم) و در زبان قرآنی به معنی «استکبار» به کار می‌رود و در اصطلاح، عبارت از تسلط سیاسی، اقتصادی و سایر جنبه‌های دیگر کشوری بر کشور یا کشورهای دیگر است (توکلی، ۱۳۷۷: ۹۸).

قاعده مزبور، قلمرو وسیع و پردامنه‌ای دارد و در تمامی زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی، جاری و ساری است. فقها برای اثبات مشروعیت قاعده نفی سبیل، دلایل گوناگونی آورده‌اند که مهم‌ترین آنها آیه ۱۴۱ النساء است که می‌فرماید:

«لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ خداوند هرگز برای کافران، راه تسلطی نسبت به اهل ایمان قرار نداده است».

امام خمینی (ره) در کتاب تحریر الوسیله، بسیاری از روابط تجاری، سیاسی و... را با کشورهای استعمارگر را به استناد این قاعده رد نموده و می‌گوید:

«اگر در روابط تجاری و غیر تجاری، ترس تسلط سیاسی و غیر سیاسی اجانب بر اسلام و سرزمینهای مسلمین باشد که موجب استعمار آنها و استعمار کشورهایشان شود، هر چند این استعمار معنوی باشد، بر تمامی مسلمانان واجب است از آن دوری کنند و این روابط، حرام است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷: ۴۸۶).

این رویکرد در ذیل اصول تغییرناپذیر و گفتمان کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قابل تبیین است. به تعبیر مقام معظم رهبری، نرمش قهرمانانه نباید به معنای عبور از خطوط قرمز یا برگشتن از راهبردهای اساسی یا عدم توجه به آرمانها باشد (در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲). برای نمونه، یکی از این خطوط قرمز اصل ۱۵۲ قانون اساسی، برگرفته از قاعده نفی سبیل است که اشعار می‌دارد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است». لذا این رویکرد نباید در مغایرت با اصل خدشه‌ناپذیر استکبارستیزی و تقابل با نظام سلطه تفسیر گردد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از یک سو با توجه به تجربه تاریخی روابط ایران و



آمریکا، به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی و اقدامات غیرانسانی ایالات متحده علیه ایران، به‌ویژه اعمال تحریم‌ها، از آن زمان تاکنون نوع نگرش آمریکا و غرب را نسبت به ایران به خوبی آشکار ساخته است. از سویی، وی بحث اسرائیل را مطرح می‌نماید که مشکل ایران و اسرائیل، یک مسئله ریشه‌دار و اساسی است که به مبانی و ارزشها مربوط می‌شود؛ چراکه بر اساس تعالیم و موازین اسلام و قانون اساسی ایران که مبتنی بر شرع است، می‌توان دریافت که جمهوری اسلامی ایران، اساس و عملکرد رژیم اشغالگر اسرائیل را قبول ندارد و طرف مقابل هم وضعیتی مشابه دارد و این یعنی تقابل دوجانبه بین دو کشور. طبیعتاً با توجه به اشتراک منافع اسرائیل با آمریکا در بسیاری از جهات و از طرفی نفوذ لابی صهیونیسم در اهرمهای قدرت ایالات متحده، این تقابل به تقابل ایران و آمریکا و به تبع آن، ایران و غرب کشیده می‌شود؛ چراکه ایالات متحده به عنوان رهبر جهان غرب محسوب می‌شود. پس این مسئله از زوایای متعدّد قابلیت تحلیل دارد و نتیجه این مباحث، بیانگر این مسئله اساسی است که مشکل اصلی ایران و آمریکا هسته‌ای نیست بلکه مسئله‌ای ریشه‌ای‌تر و اصولی‌تر می‌باشد و مسئله هسته‌ای به عنوان یک کلید و بهانه از سوی غربیون مورد تأکید قرار گرفته که با توجه به پیشینه موضوع در ظاهر به موضوع اصلی مناقشه تبدیل شده است.

بر اساس نگرش قاعده نفی سبیل به مسئله، اتخاذ سیاست نرمش قهرمانانه هرگز از روی ضعف نظام اسلامی و ناتوانی در برابر فشارهای دشمن و به عبارت بهتر اضطراب و ضرورت نخواهد بود؛ زیرا در صورت صحت این موضوع، این سیاست باید در سال‌های گذشته در اوج تحریمها و فشارهای اقتصادی در حوزه نفت، بانک، کشتیرانی و... متّخذ می‌گردید و همچنین شدت بحران منطقه غرب آسیا، به‌ویژه سوریه و پیچیدگی‌ها و ابهامات انتخابات ریاست جمهوری اتفاق می‌افتاد، نه در زمان حال که جمهوری اسلامی با ایستادگی مردم ایران در سطح بالاتری از قدرت نرم و سخت قرار دارد (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲).

از این منظر، «نرمش قهرمانانه» سبیل و راه سازش برای سلطه کفار بر مسلمین تلقی نمی‌گردد اما با توجه به شرایط بین‌المللی - که مقتضای قاعده مصلحت است - و تلاش نظام سلطه برای ضربه زدن به ایران اسلامی به بهانه‌هایی همچون پرونده هسته‌ای، این رویکرد نیز راهی در راستای پویایی دیپلماتیک و روندی اصلاحی در سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی تفسیر می‌گردد که تأمین حداکثری منافع ملی را در نظر دارد. در این رویکرد، اشاره‌ای به مبنای تمسک به قاعده



مصلحت وجود دارد که به نوعی سعی در ایجاد توازن میان واقع‌بینی و آرمان‌گرایی نهفته است که به نظر می‌رسد از توان اجماع‌ساز فزاینده‌ای در میان نخبگان سیاسی کشور برخوردار است.

۳-۳. قاعده حفظ نظام

یکی از قواعد مهمی که در روابط دیپلماسی و بین‌المللی، ناظر بر حفظ مصالح و منافع عمومی جامعه اسلامی است، قاعده حفظ نظام می‌باشد. امام‌خمينی(ره) در بیان حکم حفظ نظام می‌گوید: «همانا حفظ نظام از واجبات بسیار مؤکد است و ایجاد اخلال در امور مسلمانان از امور مورد غضب است» (امام‌خمينی(ره)، ۱۴۱۵: ۶۱۹). باید دانست به طور کلی، اهداف دیپلماسی در روابط خارجی بر اساس منافع ملی یک کشور تعریف می‌شود، کما اینکه مبنای ارتباطات بین‌المللی بر اساس منافع متقابل و بینابین می‌باشد. در حالی که منابع قدرت ملی (دانش و فناوری، پهناوری و جمعیت، ثروت ملی، مشروعیت داخلی، نظام مردمی، موقعیت ژئواستراتژیک و ثبات داخلی) در جمهوری اسلامی بسیار متعدد و متکثر است، دیپلماسی مقتدرانه با توجه به کارکرد آن به معنای به‌کارگیری حداکثر قدرت ملی و به عنوان حکمی اولیه به استناد قاعده حفظ نظام می‌باشد که راهبردی حداکثری برای تأمین منافع ملی محسوب می‌گردد.

۳-۳-۱. چارچوب تحلیلی حاکم بر روابط ایران و آمریکا بر مبنای قاعده حفظ نظام از پیروزی انقلاب تا امروز، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نمونه‌های کنشی دیپلماتیک متفاوتی در قبال آمریکا در پیش گرفته است. این نمونه‌ها به رغم آنکه یک مسیر ثابت داشته، در عین حال با تغییراتی همراه بوده است (خداکرم، ۱۳۹۲: ۸).

۳-۳-۱. استقلال کامل، مقاومت و استکبارستیزی

در سناریوی اول باید عنوان داشت ایران در زمره کشورهایی است که با نظام سلطه جهانی مقابله و مبارزه می‌کند و تحرکات ایران در عرصه بین‌الملل به نوعی موجبات محبوبیت ایران را در بسیاری از کشورها فراهم آورده است. جمهوری اسلامی ایران در تقابل با آمریکا و در راستای استکبارستیزی قدرت پیدا کرده است و بدون وابستگی نظامی به آمریکا قادر به تأمین امنیت خود شده است و در بعضی از حوزه‌ها و فناوری‌های نوین، از جمله هسته‌ای، نانو و... شگفتی‌ساز شده است. جمهوری اسلامی ایران سیاستی را دنبال می‌کند تا ضمن تأمین منافع ملی خود،

بتواند خارج از حوزه نظام جهانی، نظرات خود را بیان و پیگیری کند و این مهم موجب گردیده تا در موضوعات منطقه‌ای تقریباً هیچ موضوعی بدون حضور ایران محلی از اعراب نداشته باشد؛ بنابراین سناریو جمهوری اسلامی ایران باید این مسیر را ادامه داده تا به اهداف خود دست یابد.

۳-۱-۲. سازش و تسامح

سناریوی دوم بیانگر این مهم می‌باشد که اصولاً سیاست تقابلی در دنیا جای خود را به سیاست تعاملی داده است و در قالب این الگوی سیاستی، منافع و آرمانهای کشور دنبال می‌شود. این موضوع که استقلال از طریق ایجاد فاصله و عدم وابستگی متقابل است و کشور با تکیه بر توانمندی‌های بومی به این استقلال می‌رسد، متعلق به دوران جنگ سرد است. در دوران جدید، استقلال و توسعه از طریق تعامل و وابستگی‌های متقابل پیگیری می‌شود. این دیدگاه بیان می‌دارد که جمهوری اسلامی ایران به خاطر سیاستهای تقابلی، خسارات زیادی را متحمل شده است به همین خاطر دولت مجبور بوده است سیاست خود را بر اساس امنیت و بقای سیستم دنبال کند؛ بنابراین ایران یک روش شکننده را در اداره کشور در سیاست خارجی پیگیری کرده است.

۳-۱-۳. تعامل سازنده

سناریوی سوم بر این مسئله تأکید دارد، در عین حالی که با نظام سلطه جهانی مقابله می‌کنیم، این سیاست مبتنی بر تعامل سازنده تعریف و عملیاتی شود. در تعامل سازنده با جهان واقعیت نظام بین‌الملل و وضعیتی را که آمریکایی‌ها دارند، باید در نظر گرفت و به جای مقابله از طریق تعامل تعریف شده منافع خودمان را به حداکثر برسانیم. در منطقه غرب آسیا و خاورمیانه، ایران و آمریکا منافع مشترکی دارند که در آنجا می‌توانیم میزان خسارت به یکدیگر را تقلیل داده و بر منافع مشترک تأکید ورزیم. در این دیدگاه، تأکید بسیاری بر وابستگی متقابل پیچیده می‌شود. وابستگی متقابل در سیاست جهانی به وضعیتی اشاره دارد که در آن بین کشورها (بازیگران داخلی کشورهای مختلف) تأثیرگذاری متقابل وجود دارد. این تأثیرگذاری‌ها اغلب از عرصه سیاسی و تجاری شامل مبادلات بین‌المللی، نقل و انتقال محصولات و... در سطح بین‌المللی ریشه می‌گیرد. این مبادلات پس از جنگ جهانی دوم افزایش شدیدی یافته است. از این نگاه نیز روابط دو کشور ایران و آمریکا و تعاملات سیاسی به خصوص در سطح منطقه خاورمیانه، قابل طرح و بررسی می‌باشد. نفوذ جمهوری اسلامی ایران





در حوزه‌های نفوذ آمریکا در منطقه به‌ویژه عراق، افغانستان، لبنان و... بیانگر اهمیت ایران در این موضوع می‌باشد (خداکرم، ۱۳۹۲: ۱۰).

نئورئالیست‌های تدافعی در بررسی و تحلیل موضوع آینده روابط جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا معتقدند که دولتها زمانی اقدام به گسترش نفوذ و افزایش قدرت خود می‌کنند که احساس ناامنی کنند. بر این اساس، حضور دولت در خارج از مرزهای ملی فقط در شرایط تصور ناامنی صورت می‌گیرد؛ بنابراین امنیت در نگاه تدافعی‌ها برابر است با برخورداری از قدرت کافی برای ایجاد موازنه. تا جایی که موازنه برقرار است، امنیت نیز وجود دارد. اگر کشوری قصد برهم زدن امنیت و موازنه را داشته باشد، کشورها باید برای کسب امنیت، اقدام به افزایش قدرت و دستیابی به موازنه جدید نمایند (Kirshner, 2010, 4).

به اعتقاد رئالیست‌های تدافعی، مخاصمه در برخی شرایط اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا دولتهای متجاوز و توسعه‌طلبی وجود دارند که نظم جهانی را به چالش می‌کشند و نیز برخی کشورها، تنها در راستای تعقیب منافع ملی خود ممکن است درگیری با دیگر کشورها را اجتناب‌ناپذیر کنند (Shiping, 2008, 10).

بر اساس نظریه فوق، جمهوری اسلامی ایران باید بتواند با برخورداری از قدرت کافی در تجمیع منابع داخلی و تعاملات سازنده در سطح جهانی، برای ایجاد موازنه در جهت اجماع داخلی و ترمیم سیمای خود در عرصه بین‌المللی اقدام نماید. ایران باید از طریق بازسازی روابط خارجی خود بتواند به سطح مناسب‌تری از قدرت دست یابد تا با ایجاد موازنه جدیدی برای تأمین بقا و امنیت خود در برابر ایالات متحده اقدام کند. در این میان، به نظر می‌رسد مفهوم نرمش قهرمانانه تحت عنوان یک تاکتیک یا یک استراتژی جهت ارتقای سطح روابط خارجی، ظرفیت لازم را برای کسب قدرت و امنیت و در نتیجه ایجاد موازنه دارا باشد. مطابق با نظریه نئورئالیسم تدافعی، بالا بردن سطح قدرت در ایران موجب موازنه شده که باعث بازداشتن قوه تهدیدگر - که در اینجا آمریکا است - می‌شود. مادامی که موازنه برقرار است، امنیت نیز پایدار خواهد بود (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۴۵).

مهم‌ترین توجیه ایران بر دستیابی به انرژی هسته‌ای در مذاکرات ژنو این است که جمهوری اسلامی ایران به انرژی هسته‌ای به عنوان یک انرژی جایگزین نیازمند است. با توجه به وابستگی زیاد اقتصاد ایران به صادرات نفتی و محدود بودن ذخایر و معادن زیرزمینی، سیاست اقتصادی ایران مبنی بر کاهش وابستگی اقتصاد ملی بر تک محصولی بودن آن - که اکنون همسو با ارکان اقتصاد مقاومتی شده است - و



استفاده از سوخت جایگزین و ملی شدن آن، یکی از مهم‌ترین اهدافی است که در دستورکار دولت جمهوری اسلامی قرار گرفته است (احدی، ۱۳۸۸: ۲۵۶).

۳-۴. قاعده مصلحت

سومین اصل در دیپلماسی اسلامی، عنصر مصلحت می‌باشد که مبنای اهمّ قواعد فقه سیاسی از جمله قاعده حفظ نظام است. رعایت مصالح عمومی و حفظ و اجرای قوانین الهی، از مهم‌ترین اهداف اصلی است که رهبران جامعه باید در تصمیم‌گیری‌های مهم حکومتی به آن توجه کنند. حتی ممکن است شرایط تفاوت پیدا کرده و همین تفاوت، سبب تغییر استراتژی و متعاقباً سطوح اولویتها گردد.

شهید مطهری می‌نویسد: «ما می‌بینیم امیرالمؤمنین (ع) در یک جا می‌جنگد، در جای دیگر نمی‌جنگد. بعد از پیامبر اسلام، مسئله خلافت پیش می‌آید و خلافت را دیگران می‌گیرند، علی (ع) در آنجا نمی‌جنگد... بیست و پنج سال می‌گذرد و در تمام این بیست و پنج سال، علی (ع) یک مرد به اصطلاح صلح جو و مسالمت‌طلب است...» (مطهری، ۱۳۷۹: ۵۴).

از دیدگاه امام‌خمينی (ره)، مصلحت به معنای منافی است که - گرچه به‌طور غیرمستقیم - به عموم مردم بازگردد. بدین‌گونه که از نظر ایشان، مصلحتی که شرط اصلی احکام حکومتی است و رهبران جامعه باید با توجه به ملاحظه آن درباره موضوعات حکومتی تصمیم بگیرند، عبارت است از تأسیسات ملی و حکومتی که همه می‌توانند از آنها استفاده کنند؛ اقداماتی از قبیل: احداث و تعمیر پلها، جاده‌ها، خیابانها، کوچه‌ها، تجهیز ارتش و برآوردن دیگر نیازهای حکومت در زمره این مصالح است (امام‌خمينی، ۱۳۸۶: ۴۳).

اساساً سیاستهای کلان نظام بر پایه مصالح کلی که هر نظام حکومتی بر اساس قانون اساسی و آرمانهای خود تعریف می‌کند، تعیین می‌شود. مصلحت به این معنا، مهم‌ترین ضوابط احکام حکومتی است؛ چراکه بیشترین کاربرد قاعده مصلحت در امور بین‌المللی است که تنظیم‌کننده روابط اشخاص حقوقی نظیر دولت و روابط کشورها می‌باشد (خسروپناه، ۱۳۸۹: ۹۵).

مجرای قاعده صلح در همه جا تابع شرایط است و باید گفت یکی از مبانی اصلی آن را قاعده مصلحت تشکیل می‌دهد؛ زیرا آنچه ملاک عمل است، مصلحت و آثار و تبعاتی است که به دنبال خود دارد که دائره‌مدار حفظ عزت اسلامی و به اقتضای شرایط زمانی و مکانی است که تنها در صلاحیت معصومین (ع) و نایب آنان



و در زمان غیبت به عهده ولایت فقیه می‌باشد (عمید زنجانی، ۱۴۲۱: ۱۲۵). با این فرض؛ نرمش قهرمانانه در عرصه دیپلماسی را باید نوع خاصی از صلح‌طلبی در عرصه دیپلماسی دانست، از این رو از آنجا که نظام اسلامی در حوزه بین‌الملل، داعیه‌دار حفظ حقوق بشر، مساوات و صلح است، اقتضای آموزه‌های وحدت‌طلبی دین اسلام، مصالح حفظ نظام اسلامی، ادله صلح از قبیل آیات «وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ؛ و اگر بخواهند تو را فریب دهند، خدا برای تو کافی است. او همان کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان تقویت کرد» (انفال: ۶۲) و «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا؛ و اگر به صلح گراییدند، تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست» (انفال: ۶۰ و ۶۱)؛ و سیره معصومین (ع) از جمله مصلحت‌اندیشی آنان می‌باشد که آیت‌الله خامنه‌ای، با دیدی مصلحت‌نگر رویکرد نرمش قهرمانانه را پس از ثابت نمودن عزت و بی‌نیازی ایران به غرب و مقاومت ملت ایران در زمان اوج تحریمها برگزیند که همین تدبیر هم ملاک عمل قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، اهداف دیپلماسی در روابط خارجی بر اساس منافع ملی یک کشور تعریف می‌شود و از آنجا که منابع قدرت ملی اعم از دانش و فناوری، پهناوری و جمعیت، ثروت ملی، مشروعیت داخلی و... بسیار متعدد و متکثر است، رهیافت نرمش قهرمانانه به معنای به‌کارگیری حداکثر قدرت ملی و به عنوان حکمی اولیه همسو با قاعده حفظ نظام می‌باشد که سازوکاری حداکثری برای تأمین منافع ملی محسوب می‌گردد.

در حالی که تاکتیک آمریکا برای مشروعیت‌بخشی بر اعمال فشار اقتصادی و تحریم بیشتر بر ایران بر دیپلماسی عمومی و فریب اذهان عمومی می‌باشد، نرمش قهرمانانه نوعی تاکتیک و سازوکار تهاجمی در حوزه دیپلماسی عمومی برای مقابله با دیپلماسی عمومی آمریکا محسوب می‌گردد که ایران با برخورداری از قدرت کافی در تجمیع منابع داخلی و تعاملات سازنده در سطح جهانی، برای ایجاد موازنه در جهت اجماع داخلی و ترمیم سیمای خود در عرصه بین‌المللی، می‌تواند به اهداف خود برسد. بر این اساس، سوگیری نرمش قهرمانانه در دیپلماسی هسته‌ای، یک سازوکار تهاجمی است که مانع از تطبیق‌سازی با نرمش قهرمانانه امام حسن (ع) - که به دلیل عدم انسجام داخلی و فراهم آمدن برخی ضرورتها نوعی ساختار

تدافعی به خود گرفت - از این جهت می‌گردد اما از آنجا که در هر دو نرمش، رویکرد مصلحت‌اندیشی اتخاذ گشته است و از طرف دیگر، احکام تابع مصالح و مفاسد واقعی خود می‌باشند، می‌توان این دو را به تبع همسان‌سازی اهداف آنها (برملا کردن چهره واقعی اهداف دشمن و...) جزو یک مقوله دانست.

طرح نرمش قهرمانانه با سه اصل عزت، حکمت و مصلحت از سوی رهبر انقلاب اسلامی، در حقیقت به مثابه ایجاد بستری برای اجرای ایده تعامل با جهان است تا هم نقشه راهی باشد که در شعاع آن حرکت لازم صورت گیرد و هم موانع ذهنی و عینی حاکم بر شرایط فعلی - چه در داخل و چه در خارج - مرتفع گردد. اما اظهار خوشبین نبودن به مذاکرات ژنو، سیاست و راهکاری برای حفظ عزت و شرف ایران، با توجه به پیشینه و سبقه بسیار منفی ارتباط دولت آمریکا با ایران و نیز مقابله با دیپلماسی اجبار است تا دیپلماتهای ایرانی مراقب باشند که حریفشان کیست و چه سابقه‌ای دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

۱. قرآن کریم
۲. امام خمینی(ره)، روح‌الله (۱۳۷۷)؛ **تحریر الوسیله**، ج ۱ و ۲، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم
۳. امام خمینی(ره)، روح‌الله (۱۳۸۶)؛ **کتاب البیع**، ج ۳، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
۴. زنجانی، عمید (۱۳۷۹)؛ **حقوق تعهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام**، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
۵. ابراهیمی، حمیدرضا (۱۳۹۲)؛ **نرمش قهرمانانه**، راهبردی از جنس اقتدار، سایت خبری جهان نیوز، <http://www.jahannews.com/vdcfxtmew6dy0a.igiw.txt>
۶. ابولفضلی، حسن (۱۳۷۹)؛ **امکانات و محدودیتها در اجرای قاعده نفی سلطه بیگانگان**، پگاه حوزه، شماره ۹ و ۱۰
۷. احدی، افسانه (۱۳۸۸)؛ **برنامه هسته‌ای ایران از نگاه دیپلماسی عمومی**، پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۱
۸. احمدبن‌ابی‌یعقوب (۱۳۷۴)؛ **تاریخ الیعقوبی**، ج ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
۹. احمدی، حسین‌علی (۱۳۸۸)؛ **قاعده فقهی نفی سلطه کافر بر مسلمان**، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۶، ۱۲
۱۰. افتخاری، لاله (۱۳۹۰)؛ **نقش راهبردی گفت‌وگو در تقریب اسلامی**، المؤتمر الدولي للوحدة الاسلامیة، المقالات، طهران، شماره ۳، ۱۶
۱۱. پیشوایی، مهدی (۱۳۸۳)؛ **سیره پیشوایان**، قم، مؤسسه امام صادق(ع)
۱۲. توکلی، نیره (۱۳۷۷)؛ **جامعه‌شناسی صنعتی**، تهران، انتشارات سمت
۱۳. جعفریان، رسول (۱۳۶۹)؛ **حیات فکری و سیاسی امامان شیعه**، ج ۱، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی
۱۴. خالوزاده، سعید (۱۳۹۱)؛ **دیپلماسی تحریم اتحادیه اروپا در برابر برنامه هسته‌ای ایران**، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال اول، شماره ۱
۱۵. خداکرم، محمد (۱۳۹۲)؛ **نرمش قهرمانانه در روابط ایران و ایالات متحده**، سایت تحلیلی تابناک، <http://www.tabnak.ir/fa/news/364883>
۱۶. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۹)؛ **گفتمان مصلحت**، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان
۱۷. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲، <http://farsi.khamenei.ir/keyword-print?id=1045>



۱۸. رادمرد، محمد (۱۳۹۰)؛ **دیپلماسی علمی و صدور انقلاب اسلامی**، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس
۱۹. رسولی محلاتی، سیدهاشم (۱۳۸۳)؛ **زندگانی امام حسن مجتبی (ع)**، تهران، انتشارات بوستان کتاب
۲۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷)؛ **تفسیر المیزان**، قم، دفتر انتشارات اسلامی
۲۱. عمید زنجانی، عباس‌علی (۱۴۲۱ ق)؛ **فقه سیاسی (عمید)**، تهران، انتشارات امیرکبیر
۲۲. قریشی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۶۴)؛ **قاموس قرآن**، ج ۳، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه
۲۳. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۹)؛ **موسوعه الامام علی علیه السلام**، ج ۴، تهران، انتشارات دارالحدیث
۲۴. محمدی الموتی، محسن (۱۳۸۸)؛ **هدف و سازوکارهای سیاست خارجی در اسلام**، مجله انسان‌پژوهی دینی، دوره ۶، شماره ۱۹، تابستان
۲۵. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)؛ **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، تهران، انتشارات سمت
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)؛ **سیری در سیره ائمه اطهار(ع)**، تهران، انتشارات صدرا
۲۷. مظفر، محمدرضا (۱۴۰۳)؛ **اصول الفقه**، ج ۲، بیروت، انتشارات دارالتعاریف
۲۸. مورگنتا، هانس‌جی (۱۳۷۴)؛ **سیاست میان ملت‌ها**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران؛ انتشارات وزارت امور خارجه

29. Stratégie de l'UE, contre la prolifération des armes de destruction massive, (2003), Décembre Décembre 12-13), Acte 15708. Available at: <http://www.diplomatie.gouv.fr/en/country-files/iran>, (accessed on 2012,
30. Gertz, Bill, (2005), **U.S. report says Iran seeks to acquire nuclear weapons**, THEWashington Times, September 16, <http://www.washingtontimes.com/national/2>
31. Kirshner, jonathan; the tragedy of offensive realism: classical realism and the rise of china, European journal of international relations, 2010
32. Shping, tang; from offensive realism to defensive realism: a social evolutionary interpretation of china's security strategy, cornell university press, 2008

بیانات آیت‌الله خامنه‌ای

۱. در دیدار با فرماندهان سپاه، ۱۳۹۲ / ۶ / ۲۶
۲. پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۷۷ / ۱ / ۱۲
۳. در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲ / ۶ / ۱۴
۴. در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰
۵. در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۲ / ۱ / ۱
۶. در جمع فرماندهان بسیج، ۱۳۹۲ / ۸ / ۲۹
۷. در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و نمایندگان سیاسی، ۱۳۷۵
۸. در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و نمایندگان سیاسی جمهوری اسلامی، ۱۳۷۵.

